

علیه توافق

بررسی آنچه در جلسه دیروز مجلس میان عباس عراقچی و دلوایسان گذشت



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

وزیر پیشنهادی امور خارجه روز گذشته پشت‌تربون مجلس رفت و از برنامه‌های خود و صلاحیت‌اش برای نشستن بر صندلی مدیریت میدان مشق دفاع کرد. سیدعباس عراقچی در توضیح برنامه‌های خود، برنامه‌های کلان سیاست خارجی در دولت چهاردهم را تشریح کرد و البته پاسخ برخی مخالفان خود در مجلس را نیز داد. انتظار عجیبی نبود که منتظر ایجاد جنجال در جلسه بررسی صلاحیت عراقچی باشیم، با توجه به اینکه سیاست خارجی یکی از گره‌های اصلی کشور و مرکز توجه مبارزات انتخاباتی نیز بود و همچنین بانگ‌هایی به اینکه اقلیت تندرو پایداری بار دیگر در مجلس شکل گرفته، صحنه‌هایی از تقابل دو گفتمنان خود را در صحن سبز پارلمان نشان داد. گویا این اقلیت که از دوران مذاکرات هسته‌ای تا امروز همواره سعی کردند در مسیر تنش‌زدایی ایران ایجاد مانع کنند، قصد دارند فشار خود را در حوزه سیاست خارجی افزایش دهند.
پست وزارت خارجه یکی از حساس‌ترین جایگاه‌های دولتی است و ترکیب وزرای پیشنهادهی پزشکیمان به مجلس نیز از یک توافق جامع با ارکان مختلف قدرت از جمله رئیس مجلس، برای آغاز به کار سریع دولت و قدم برداشتن در مسیر وفاق بیشتر خبر می‌دهد. مسئله وفاق در داخل و تنش‌زدایی در خارج از کشور، از زمان انتخابات در دستور کار پزشکیان بود. حالا به نظر می‌رسد که تیم پایداری قصد دارد تا حد ممکن معادلات را بر هم بزند. در قدم اول، با آنچه در مجلس اتفاق می‌افتد و در قدم دوم، در مسیر سیاست خارجی دولت چهاردهم که در نقطه مطلوب به یک توافق دیگر ختم می‌شود.

روایت عراقچی از برجام و ترامپ

سیدعباس عراقچی دیپلمات با سابقه‌ای است که سابقه کار در سطوح ارشد وزارت خارجه در دولت‌های مختلف و شرایط زمانی متفاوت را دارد. او چه در کمیسیون و چه در صحن مجلس صریح صحبت کرد. از «حفظ تراز راهبردی ایران»، «روود وزارت خارجه به مدار تولید ثروت»، «دیپلماسی مقاومت»، «دیپلماسی مناطق مرزی» و نبرد و کنشگری فعال دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم گفت. او در پاسخ به امیر حسین ثابتی مجری سابق شبکه افق و نماینده فعلی تهران که شاخص‌ترین مخالفش بود و قبلمی از صحبت‌های او راجع به مسئله برجام و ترامپ پخش کرد، گفت: «این قبلمی که از بنده نشان داده شد برای من خیلی جای تعجب بود چراکه سندن افتخار من است؛ در جمله آخری که در این فیلم به کار بردم، گفته‌ام که ترامپ توان از بین بردن برجام را ندارد و نگفتم که ترامپ از برجام خارج نشود و همین اتفاق هم افتاد؛ وقتی آمریکا از برجام خارج شد دو مرتبه تلاش کردند و به شورای امنیت قطعنامه بردند تا برجام را از بین ببرند اما در دو بار شکست خوردند؛ سابقه نداشته که آمریکا در شورای امنیت قطعنامه‌ای برده باشد و یا ۱۳ رای مخالف و دو رای موافق شکست خورده باشد و این موضوع دو مرتبه تکرار شد. بنابراین مذاکره برای رفع تحریم‌ها در هر شکل و قالبی که باشد سیاست جمهوری اسلامی ایران بوده است و در دولت شهیدرئیسی نیز ادامه پیدا کرد.» جای دیگری هم با اشاره به توثیتی از ثابتی که اخیراً فراگیر شده و در آن نوشته بود: «مرگ بر آن مرزو معیاری که مرا به خاطر به دنیا آمدن در سرزمینی که در آن عراقچی و طرفی و روحانی و بنی‌صدر و… به دنیا آمده‌اند «اشنا» با آنها می‌داند اما شیر مردان فاطمیین را چون چند کیلومتر از طرف‌تر به دنیا آمده‌اند «غریبه» با من حساب می‌کنند.» نیز گفت: «آقای ثابتی! من نمی‌گویم که مرگ بر وطنی که هم‌وطنم عراقچی است بلکه می‌گویم جانم فدای وطنی که به منتقد دولت اجازه‌می دهد بدون لگنت صحبت کندو حتی ولایت‌پذیری مجلس را زیر سوال ببرند؛ من به همه منتقدان خود احترام می‌گذارم.» مسئله احیای برجام در سال‌های پایانی دولت روحانی و همچنین ادامه این مسیر در دولت سیدابراهیم‌رئیسی نیز از جمله مسائلی مهمی بود که او مطرح کرد.
عراقچی گفت: «وقتی که من در فروردین ۱۴۰۰ مذاکرات احیای برجام را طراحی کردم، در چارچوب مواضع قطعی نظام و با توجه به قانون اقدام راهبردی بود. من نظرو باینندی عملی خود را نه‌ان بلکه در فروردین ۱۴۰۰ به قانون اقدام راهبردی نشان دادم. مذاکرات احیای برجام که ۶ دوره آن را من انجام دادم در چارچوب قانون اقدام راهبردی و در چارچوب مواضع قطعی نظام صورت گرفت؛ در دور دوم آن مذاکرات مقام معظم رهبری خطاب به من و تیم مذاکره‌کننده در یک سخنرانی عمومی فرمودند که حسبنالله بگویندو جلوبروید.»

حمله به وفای و توافق

در جلسه دیروز مجلس، چند نکته جالب توجه وجود داشت. اول، تاکید عراقچی بر حمایت رهبری از تلاش برای رفع تحریم‌ها در چارچوب یادآوری اینکه وزیر پیشنهادی امور خارجه پیش از این مذاکرات احیای توافق را در چارچوب قانون راهبردی طراحی کرد. عراقچی بر این موضوع صحت گذاشت که مقام رهبری مخالفتی با توافق، تأمین منافع کشور و باز کردن گره از زندگی مردم ندارد. دوم، جملاتی بود که ثابتی، نماینده مخالف عراقچی، به کار برد. او گفت: «برخی موافقان عراقچی می‌گویند حتماً به او رای بدهید چون یک نفری گفته او‌رای بیابورد.» مشخص نیست که مرجع ضمیر این صحبت‌های نماینده تندرو تهران به مقام رهبری برمی‌گردد یا محمداقبر قالیباف یا هر سیاستمدار دیگری. اگر مرجع ضمیر قالیباف باشد، به توافق پزشکیان و رئیس مجلس برای گرفتن رای اعتماد اشاره دارد. در غیر این صورت، آنچه مورد توجه برخی ناظران و تحلیلگران قرار گرفت، این بود که وزیر امور خارجه با تأیید و موافقت رهبری به مجلس معرفی می‌شود اما آیت‌الله خامنه‌ای هیچ‌وقت اظهارنظری درباره رای دادن یاندان به یک گزینه مربوط به وزارتخانه‌های سیاسی و امنیتی که تحت نظر ایشان انتخاب می‌شوند، نداشته‌اند. اما این اظهارنظر جالب توجه نماینده نزدیک به پایداری، مورد توجه قرار گرفت.
محمدمهاجری، تحلیلگر سیاسی اصولگرا در توئیتر خود نوشت: «اینکه گفته می‌شد، پایداری چی‌هی وایاند سعید جلیلی در مقابل رهبری خواهند ایستاد، تحلیل نیست، خبر است. فعلاً توجه‌ها و بچه‌ها را به پنهان‌حمله به عباس عراقچی و برجام به میدان می‌فرستند تا سرکرده‌هایشان کمتر آسیب ببینند. بعداً که مانند خوارج

تیتریک

HEADLINE ONE

جایگاه وزارت دادگستری در قانون اساسی بررسی شد

وزارتخانه مبهم



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

امین حسین رحیمی، وزیر پیشنهادی دادگستری امروز در حالی برای کسب رای اعتماد در مجلس حاضر می‌شود که در براره جایگاه و مسئولیت‌های این وزارتخانه ابهامات زیادی وجود دارد. وزارت دادگستری یکی از ۱۹ وزارتخانه کشور است که برخی از کارشناسان عنوان کوچک‌ترین وزارتخانه را به آن اختصاص داده‌اند؛ وزارتخانه‌ای که شهروندان تقریباً آشنایی چندانی با وظایف و خدمات آن ندارند. در حالی که در مرحله عمل وزیر دادگستری و وزارتخانه زیر نظر او در وضعیتی مبهم به سر می‌برند اما به نظر می‌رسد نظر قانون‌گذار اساسی بر اعتراف جایگاه این وزارتخانه در ساختار حقوقی-سیاسی کشور بوده تا جایی که قانون اساسی یکی از اصول خود را به همین وزارتخانه اختصاص داده است. پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اصل ۱۶۰ این قانون مقرر کرده بود که «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به

وزیر یا واسطه

گفت‌وگو با محمدهادی جعفر پور استاد حقوق و وکیل دادگستری

محمدهادی جعفرپور، استاد حقوق و وکیل دادگستری درباره جایگاه وزیر دادگستری در نظام حقوقی سیاسی کشور به هم‌میهن می‌گوید:«در عمل تعریف درستی از وجود وزیر دادگستری به عنوان یک مقام اجرایی در دولت وجود ندارد و این‌مقام دولتی را تنها می‌توان به عنوان معاون اداری مالی قوه قضائیه تعریف کرد یا همانطور که خود قانون اساسی هم تعریف می‌کند، وزیر مذکور رابط و واسطه‌ای است بین قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه. بنابراین نمی‌توان برای او به عنوان یک وزیراختیارات چندانی قائل شد.»



چرا یک اصل قانون اساسی (اصل ۱۶۰) به وزارت دادگستری و نحوه فعالیت‌ها و انتخاب وزیر آن اختصاص داده شده است؟
کری که در باره سایر وزیرتختانه‌انجام‌نشده.

برای مبانی و فلسفه وجودی یک قانون در تمام رژیم‌های سیاسی به‌ویژه آنها که پارلمانی هستند، مرسوم است مذاکرات پیش‌مقدمه قانون مصوب و قابل اجرا بررسی می‌کنند تا مشخص شود که چرا قانونی وضع شده است. اوایل انقلاب و به‌ویژه بعد از بازنگری در قانون اساسی یکی از دغدغه‌های اساسی ساختار و نهادهای انقلابی، اصلاح ساختار دستگاه قضایی بوده است. این درحالیست که نگاهی به تاریخ انقلاب نشان می‌دهد مجموعه دادگستری از معدود جاهایی بود که هیچ‌وقت مورد حمله و حمله فیزیکی قرار نگرفت. با وجود پاکسازی که در خصوص قضات و… در این نهاد انجام شد و تا حدودی می‌توان گفت کانون وکلا هم از این تحولات انقلابی مصون نماند اما یکی از اهداف و شعارهایی که در مقدمه قانون اساسی آمد بحث «عدالت‌گستری و عدالت اجتماعی» بود. می‌توان این‌مقوله را به عنوان مبنا و فلسفه تعریف اصل ۱۶۰ قانون اساسی و زیر‌عنوان وزارت دادگستری برشمرد. توجه کنید که به تبع قانون اساسی مشروطه و منتم آن شاهد یک عدلیه مدرن هستیم. از دوران پهلوی اول اما تحول عظیمی در دادگستری ایران رخ می‌دهد و بزرگانی مانند مرحوم داور، منصور عدل و سایر بزرگانی که در آن زمان در دادگستری ایران فعال بودند و از کشورهایی مثل سوئیس الگوبرداری می‌کنند؛ از آن زمان دادگستری به‌عنوان یک رکن توسعه جامعه شاید محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت علت تخصیص یک اصل به این وزارتخانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم همین موضوع است.
بااین حال امروز هیچ‌کس دقیقاً از فلسفه وجودی این اصل مانند بسیاری دیگر از اصول قانون اساسی مطلع نیست. از این قسم اصول معطل افتاده که مبانی فلسفی نشاء و عملیاتی شدن شان، فرستگ‌ها با هم فاصله دارد. در قانون اساسی کم‌نیستندو یکی از نقدهایی که اندیشمندان و تئوریسین‌های حوزه حقوق عمومی به قانون اساسی وارد می‌کنند، این است که بسیاری از اصول این قانون از کیفیت و مرحله عمل افتاده و نیاز به اصلاح دارد.

در اصل ۱۶۰ امور اداری و استخدامی غیرقضات به رئیس قوه قضائیه اختصاص دارد و تفویض یا عدم تفویض این اختیارات منوط به نظر رئیس دستگاه قضایی است و این اصل تاکید می‌کند که اگر رئیس قوه قضائیه این اختیارات را تفویض کند
وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایف سایر وزرا خواهد بود. به نظر شما
با وجود این شرایط می‌توان گفت که
وزیر دادگستری از جایگاهی مانند سایر
وزرای کابینه برخوردار است؟

خیر، من به این مسئله باور ندارم. وقتی در زمینه کاربردی این وزارتخانه بحث می‌کنیم و می‌گوییم وزیر دادگستری بیشتر شبیه معاونت اداری مالی است، اما همین موضوع با بخش ابتدایی اصل ۱۵۶ که وظایف قوه

گزارش حقوق

جایگاه وزارت دادگستری در قانون اساسی بررسی شد
رابط قوه قضائیه یا قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به‌نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد». با این حال بعد از بازنگری، اصل مذکور موسع‌تر شد و لحاظ شدن سه قوه در انتصاب وزیر دادگستری مورد تاکید قرار گرفت: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه یا قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد واز میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به‌رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات ووظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.» به بیان دیگر به موجب این قانون وزیر دادگستری زیر نظر سران قوای قضائیه و مجریه انتخاب می‌شود اما باید همچون سایر وزرا از اعتماد خود را از مجلس دریافت کند.

ایین روش خاص در تعیین وزیر دادگستری را می‌توان به دلیل وظایفی دانست که قانون اساسی برای وزیر دادگستری تعیین کرده ووظیفه برقراری رابطه میان قوه قضائیه با سایر قوا را برعهده او گذاشته است. به بیان دیگر این وزیر همچنان که دارای وظایفی مشترک با هیئت‌وزیران بوده و باید در مقابل رئیس‌جمهور پاسخگو باشد، از نسوی دیگر در مقابل رئیس قوه قضائیه هم

رابطه میان قوه قضائیه و سایر قوا را برعهده او گذاشته است. به بیان دیگر این وزیر همچنان که دارای وظایفی مشترک با هیئت‌وزیران بوده و باید در مقابل رئیس‌جمهور پاسخگو باشد، از نسوی دیگر در مقابل رئیس قوه قضائیه هم

رابطه میان قوه قضائیه و سایر قوا را برعهده او گذاشته است. به بیان دیگر این وزیر همچنان که دارای وظایفی مشترک با هیئت‌وزیران بوده و باید در مقابل رئیس‌جمهور پاسخگو باشد، از نسوی دیگر در مقابل رئیس قوه قضائیه هم

قضائیه رامشخص کرده هم در تعارض است. به این معنی که در قانون اساسی اختیارات امور اداری را به جای وزیر به رئیس قوه قضائیه داده‌اند و اومی‌تواند این امور را به وزیر تفویض کند. یعنی عملاً اصل ۱۶۰ شبیه زائده برای اصل ۱۵۶ شده است درواقع اگر وزیر دادگستری در اصل ۱۶۰ مورد تاکید قرار نمی‌گرفت هم اتفاق خاصی نمی‌افتاد. مستند اصول قانون اساسی و عطف به عمل‌ها و کارکرد وزرای دادگستری در دولت‌های مختلف شاهد هستیم که این وزرا آنچنان کارکردی نداشته‌اند یا اگر هم داشته‌اند در همان بدنه امور اداری-استخدامی (غیرقضات)مجموعه اداری خودشان بوده است. بنابراین وقتی رئیس قوه قضائیه باالسر وزیر دادگستری قرار دارد و حتی اختیارات اداری و مالی را هم رئیس قوه باید به وزیر دادگستری تفویض کند، به نظر می‌رسد که در عمل تعریف درستی از وجود وزیر دادگستری به‌عنوان یک مقام اجرایی در دولت وجود ندارد و این مقام دولتی راتنها می‌توان به عنوان معاون اداری مالی قوه قضائیه تعریف کرد یا همانطور که خود قانون اساسی هم تعریف می‌کند، وزیر مذکور رابط و واسطه‌ای است بین قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه. بنابراین نمی‌توان برای او به عنوان یک وزیر اختیارات چندانی قائل شد. شاید به همین دلیل است که کمتر دوره‌ای شاهد هستیم که وزیر دادگستری در مجلس مورد سوال قرار گرفته یا استیضاح شده باشد.

بر اساس قوانین وزیر دادگستری هم در برابر رئیس قوه قضایو به هم مانند سایر وزرا در مقابل رئیس جمهور و مجلس باید پاسخگو باشد، این مسئله چه چالش‌هایی را برای فعالیت‌های این وزارتخانه و این وزیر خاص ایجاد می‌کند؟

چند سال پیش شاهد تحصن و تجمع کارمندان قضائیی و اداری در حیاط‌های مجتمع قضایی در استان‌های مختلف بودیم. این کارمندان به حقوق و دستمزد اعتراض داشتند. این اتفاق در هر نهادی که رخ می‌داد قطعاً عالی‌ترین مقام وزارت خانه یعنی وزیر به مسئله ورود می‌کرد تا کارمندی‌هاش را به انجام وظیفه سوق می‌دادو سعی می‌کرد با شنیدن و رفع مسائل مورد گزایه خود آرام کند. در آن مقطع زمانی به جای وزیر دادگستری رئیس قوه قضائیه به ماجرا ورود کرد. یعنی وزیر دادگستری حتی راجع به کارمندان اداری دادگستری هم نتوانست خود را به عنوان یک مقام عالی نظارتی و دارای اختیار نشان دهد. فقدان زیر داری دارای اختیار در حوزه وزارت دادگستری در چند وجه چالش‌ها و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. نخست اینکه کارمندان قضایی و اداری دادگستری برای تأمین مطالبات خود اعم از دستمزد و معیشت و… دچار سردرگمی خواهند شد و نمی‌دانند که باید مشکلات خود را با چه کسی مطرح کنند. اگر قرار باشد که وزیر دادگستری مستند به قانون اساسی فقط در قالب واسطه و پیشنهاددهنده حضور پیدا کند به این معناست که یک مقام عالی‌رتبه دولتی را در حد یک نامه‌رسان یا یک واسطه تنزلش داده‌ایم. دوم اینکه با این رویکرد نسبت به وزیر دادگستری به رئیس قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان حکومت ش‌ان و منزلت اجرایی داده‌ایم و در واقع او از امور کلان دور و به امور جزئی دعوت کرده‌ایم این درحالیست که رئیس قوه قضائیه هرگز نمی‌تواند به جزئیات مشکلات حاضر در ارکان زیر مجموعه دادگستری پی‌برد زیرا او هرگز نمی‌تواند یک مقام اجرایی باشد. انتخاب رئیس دیوان عالی کشور، استخدام قضات و حتی افزایش حقوق آنها همگی زیر نظر رئیس قوه قضائیه قرار دارند. با توجه به محدودیت‌هایی که در اختیارات وزیر وجود دارد عملاً به معنای آن است که برای یک وزارتخانه برطمطراق و کاربردی در مقوله عدالت قضایی و عدالت اجتماعی را تبدیل کرده‌ایم به یک وزیر واسطه و یک وزیرتختانه بدون کارکرد.

فعالیت‌های وزیر دادگستری هم زیر نظر رئیس قوه است و هم رئیس جمهور آیا این مسئله می‌تواند اصل تفکیک قوا را زیر سوال ببرد؟

یکی از چالش‌هایی که در حوزه حقوق عمومی مطرح

